

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال نهم، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۷ [پیاپی ۳۵]

مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای  
سردبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری  
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی  
ویراستار فارسی: فاطمه محمد  
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه  
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا  
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خویی  
ویراستار انگلیسی: دکتر علی‌نقی باقرشاهی  
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی  
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران  
احد فرامرز قوام‌ملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران  
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاي بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۸۱۵۳۲۲۱ اشتراک و فروش: ۸۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۸۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.hop.mullasadra.org Email: SIPRIn@mullasadra.org

چاپخانه: نقره آبی

شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: ISC, Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

## راهنمای تدوین مقاله

۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به‌همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:  
ویراستار علمی ← دو نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.  
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف (مؤلفان) است.

### شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



سخن سردبیر ..... ۵

سرچشمه‌های اندیشه بهمن یا صادر اول شیخ اشراق

نادیا مفتونی، مرتضی درودی جوان ..... ۷

تأملی معناشناختی در توصیف خداوند به عقل بسیط در حکمت سینوی  
(با نگاهی به سه تفسیر متفاوت از فخررازی، میرداماد و ملاصدرا)

سیدمحمد انتظام ..... ۲۵

واکاوی علل عدم اقبال به فلسفه در دوره امویان اندلس

موسی الرضا بخشی، عبدالحسین لطیفی ..... ۴۷

نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده

مسعود صادقی ..... ۶۹

کی‌یرکگور و خاستگاه آموزه‌های دینی آگزیستانسیالیست

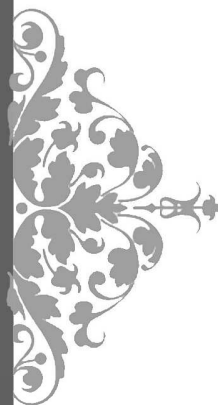
فاطمه محمد، محمد اکوان ..... ۹۱

بررسی مواجهه ابن سینا با آراء پیشینیان در باب چیستی لذت

حوریه شجاعی باغینی، عین‌الله خادمی، امیرحسین منصوری‌نوری ..... ۱۲۳

بازخوانی سیر تطور معناشناسی صفات الهی نزد اندیشمندان اسلامی

عبدالله میراحمدی ..... ۱۴۷





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نزد اهالی فلسفه و متعاطیان علوم عقلی، همانگونه که میان «برهان» و «جدل» فاصله‌یی بسیار است، به همانسان میان «زبان برهان» و «زبان جدل» نیز تمایزی آشکار وجود دارد. در اینجا زبان بمعنای متعارف واژه یا حتی بمتابه ابزار و وسیله تفهیم و تفاهم نیست، بلکه در حکم آینه اندیشه و مجلای وجود درونی آدمی است. در تاریخ فلسفه، کمتر فیلسوفی را میتوان سراغ گرفت که به زبان و نسبت آن با هستی التفات نکرده باشد و این معنا تقریباً در میان تمامی مکاتب و طوایف فلسفه مشترک است که نحوه یافت و دریافت آدمی در زبان او جلوه‌گر میشود. البته این نحوه یافت، بمعنای تصدیق نسبی‌انگاری و سفسطه نیست، بلکه دلالت بر ظرفیت و استعداد گوناگون بشر در بیان و انعکاس واقعیت برای خود و دیگران دارد. روشن است که این یافت و وجدان در طول تاریخ فلسفه یکسان نبوده است و اگرچنین نبود، اختلاف و مناقشه‌یی نیز در میان آنان در نمیگرفت و اهالی فلسفه در همه یا اغلب مقولات و ابواب تفکر با یکدیگر توافق داشتند. با این همه، کارکرد زبان در ساحت وجود، بازتاب امر واقع و تصدیق نفس‌الامر و تمکین به حقیقت است؛ چنانکه تصدیق یا تکذیب لسانی در تمامی مناسبات انسانی به درجاتی حجیت دارد و مبنای افعال و جهتگیریها قرار میگیرد. بی‌جهت نیست در فلسفه همواره از حقیقت زبان پرسش شده و میشود و اینکه غالباً زبان را به صرف ساختار نحوی و ادبی تقلیل نمیدهند. افلاطون از زبان سقراط در رساله کراتولوس میگوید زبان چیزی از سنخ اعتبار و قرارداد صرف نیست و واژه و واژگان با هستی و عین حقیقت مناسبت دارد، تا آنجا که حروف و نحوه ترکیب و آرایش آنها نیز مستقل از خواست و قرارداد انسانهاست. شاید این مطلب برای شنونده عادی بسیار نامتعارف و مبالغه‌آمیز جلوه کند، لیکن توجه کنیم با سخن و دغدغه فیلسوف در دوهزار و چهارصد سال قبل، امروز نیز میتوان نسبتی پررنگ و معنادار برقرار کرد؛ چنانکه بخش مهمی از تأملات متفکران پست‌مدرن و هرمنوتیک به این عرصه اختصاص دارد. اهمیت موضوع از آنجا ناشی میشود که زبان عصر حاضر - که

۵



از رسانه و تبلیغات نیز بسیار مدد میگیرد. برغم آنکه از عقل و عقلانیت و لیبرالیسم و ارزشهای انسانی بسیار یاد میکند، اما در نتیجه بسط و غلبه نگاه خودبنیاد، نیست‌انگار و قدرت‌محور در دوره مدرن و ظهور انسان بریده از ماوراء و الوهیت و در واقع از هستی و خرد ناب، عمل و زبان او نیز دگرگون شده و برهان و عقلانیت جای خود را به جدل و سفسطه سپرده است. اگر روزی ماکیاولی و هابز از ظهور انسان منهای اخلاق و فضیلت خبر میدادند، امروزه زبان قدرت و تبلیغات و رسانه، چشم و گوش و تمییز مردمان را نیز در اختیار خود گرفته و به اصطلاح مدیریت میکند. دوری از زبان برهان و عقلانیت بیش از همه امروزه در سیاستمداران غربی و صاحبان قدرت و پول و سلاح ظهور یافته که رفتارهای غیرانسانی و بازیگریهای خود در صحنه بین‌المللی را بمدد زبان ناراست و تبلیغات فراگیر توجیه کرده، در قلب واقعیات سنگ تمام گذارده و میگذارند. اکنون در مجامع بین‌المللی، زبانها در باب آزادی و احترام به حقوق انسانها و ارزشهای بشری بسیار به گردش می‌آید، اما در مقابل چشم میلیونها تن از همین انسانها، حقوق ملت‌های مظلوم به نام آزادی و لیبرالیسم و حقوق بشر پایمال شده و ثروتهای مادی و معنویشان چپاول میشود. آیا امروزه این همان اروپا و آمریکایی است که منادی الغای برده‌داری بود و ادعای آزادی ملتها در تعیین سرنوشت و صیانت از حقوق بشر را داشت؟! کار بدانجا رسیده که رئیس کنونی دولت آمریکا با وقاحت تمام، از دوشیدن ملت یا ملت‌هایی بمانند چهارپایان سخن میگوید و هیچ صدایی از هیچ جای جهان و حتی از جانب دولت مفلوک مورد نظر ویبلند نمیشود!

این زبان نه در خدمت دانایی و کرامت که در خدمت جهل و مذلت است. این زبان بجای انعکاس روشنایی و نقش روشنگری، پوشاننده و دورکننده از واقعیت است و برغم دسترسی کنونی بشر به حجم عظیمی از داده‌های علمی و خبری، همواره لایه‌یی از مقاصد تبلیغاتی و حتی سیاسی بر آنها سایه افکننده است. آنگاه که بشر بجای تسلیم در برابر حق و حقیقت و بندگی خداوند متعال، در سوداوخدا بودن و خدایی کردن و فرعونیت بر روی زمین است، زبان او نیز با مقاصد وی همسو و هماهنگ است و هر چیزی را برای ایصال به مقاصد خود توجیه می‌کند. در کتاب خدا و تعلیمات امامان، منشاء و مبدأ زبان خداوند است؛ همو که بیان و اسماء را به آدمی تعلیم داد و از اینرو مقصد و غایت چنین زبانی نیز آشکار میشود و آن چیزی نیست جز بیان حق و تصدیق حقیقت و عمل به لوازم آن.

### سردبیر



# سرچشمه‌های اندیشه بهمن یا صادر اول شیخ اشراق

نادیا مفتونی<sup>۱</sup>، مرتضی درودی جوان<sup>۲</sup>

## چکیده

آراء شیخ اشراق را در اندیشه‌های ایران باستان میتوان جست. یکی از این آراء، اعتقاد به بهمن یا صادر اول است. نوشتار حاضر با روش تحلیل محتوا، در پی احصاء و تحلیل میزان آثار مستقیم و غیرمستقیم بهمن که در باور مزدیسنان برترین فروزه اهورامزدا بشمار میرود، در آثار شیخ اشراق است. پس از استقراء ویژگیهای عمومی و اختصاصی بهمن با رجوع به منابع مزدایی همچون *اوستا* و *بندهش*، به جستجوی این ویژگیها در آثار سهروردی پرداختیم. با کاوش در تمامی آثار شیخ اشراق، همه مواردی را که ضمن آنها بصراحت از امشاسپند بهمن یاد شده و نیز تمامی مواردی که ویژگیهای عمومی و اختصاصی آن را در بردارند، استخراج و شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان فراوانی و بسامد ویژگیها و نشانه‌های موجود، به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداختیم. در این پژوهش، نتایجی همچون مشخص شدن تعداد اشارات مستقیم به امشاسپند بهمن، ذکر بهمن بعنوان صادر اول یا عقل اول و سرسلسله عقول طولی برخلاف سایر امشاسپندان با نظر به کارکرد رب‌النوعی آنها، اجتماع قویترین نشانه‌های حضور بهمن در متون فارسی و در ضمن یادکرد از قهرمانان اساطیری ایرانی و موارد دیگر بدست آمد. در این میان، بیشترین بسامد در بین

۷

۱. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، مرکز شهید

باهنر تهران؛ [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۷



خصوصیات عمومی و اختصاصی بهمن یا صادر اول به ویژگی پیوند با سایر امشاسپندان مربوط است؛ زیرا همه نشانه‌های امشاسپند بهمن از این خصوصیت برخوردارند. نتیجه این خصوصیت، همراهی همه نشانه‌های امشاسپند با یکدیگر و نیز سامان‌مندی در بین آنهاست که این یافته خود دلیلی بر تأیید مسئله محوری این تحقیق مبنی بر توجه ویژه به معانی و کارکردهای امشاسپندان بنظر میرسد.

**کلیدواژه‌ها:** سهروردی، امشاسپندان، بهمن، عقل اول، صادر اول

\* \* \*

#### مقدمه

بهره‌گیری و تأثیرپذیری شیخ اشراق از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان، امری بسیار آشکار و مورد تأیید عموم صاحب‌نظران است. هانری کربن سه ویژگی اساسی را برای نظریه اشراقی برمیشمارد که عبارتند از: ۱) برقرار کردن پیوند با حکمت الهی ایران باستان؛ ۲) تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهراه حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است؛ ۳) دستیابی به شناختی که فقط شناخت نظری نبوده، بلکه اشراق بشمار میرود.<sup>(۱)</sup>

در هر سه ویژگی ذکر شده بهره‌گیری این فلسفه از مبانی و مفاد حکمت خسروانی یا همان فلسفه نور و ظلمت در تعبیر هانری کربن، مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. تمایل به تفکر باستانی ایرانیان و اخذ حکمت از آن سامانه امری است که در جهت تداوم رشد و پیشرفت حکمت اسلامی و در مسیر مثبت سیر تطور آن شایان توجه و قابل تحلیل است.<sup>(۲)</sup> آنچه مؤید این امر محسوب میشود، تصریحاتی است که در جای‌جای آثار سهروردی بچشم میخورد و نه به زبان رمز و اشاره، بلکه چنان آشکار است که حتی از نظر هیچ خواننده غیرمتخصصی نیز پنهان نمیماند. اشارات صریح به نام فرزندگان ایران باستان مانند زرتشت، جاماسب و فرشاوشر، ذکر نام پادشاهان اساطیری ایران باستان همچون کیومرث، کیخسرو، فریدون و ...<sup>(۳)</sup> و بالأخره ذکر برخی از اصطلاحات باور مزدیسنا از جمله ذکر نام



# تأملی معناشناختی در توصیف خداوند به عقل بسیط در حکمت سینوی (با نگاهی به سه تفسیر متفاوت از فخر رازی، میرداماد و ملاصدرا)

سید محمد انتظام\*

## چکیده

ابن سینا از خداوند به عقل بسیط تعبیر کرده است. معنای مورد نظر او از عقل بسیط، از سوی فخر رازی، میرداماد و ملاصدرا به سه گونه متفاوت تفسیر شده است. فخر رازی عقل بسیط را از نظر ابن سینا ناظر به دفعی و غیر زمانی بودن علم حصولی و تفصیلی خداوند به موجودات پیش از ایجاد آنها دانسته است. میرداماد معتقد است منظور ابن سینا از عقل بسیط، علم خداوند به موجودات در مرتبه ذات است که عین ذات می باشد. او این علم را در مقابل علم حضوری خداوند به موجودات خارجی دانسته و نسبت علم حصولی به ابن سینا را از لغزشهای شیخ اشراق میدانند. ملاصدرا بر این باور است که منظور ابن سینا از عقل بسیط، علم اجمالی در مقابل علم تفصیلی حصولی است. در این نوشتار هر یک از تفسیرهای سه گانه همراه با مستنداتشان باختصار بررسی شده و در پایان، ترکیبی از تفسیر ملاصدرا و فخر رازی به اثبات رسیده است.

۲۵

کلیدواژه‌ها: عقل بسیط، علم اجمالی، علم تفصیلی، علم خداوند، ابن سینا

\* \* \*

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه مفید: entezammohammad66@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۶



# واکاوی علل عدم اقبال به فلسفه در دوره امویان اندلس

موسی الرضا بخشی استاد<sup>۱</sup>، عبدالحسین لطیفی<sup>۲</sup>

## چکیده

اندلس تحت سیطره حکومت اموی توانست در دورانی که اروپا در رکود قرون وسطایی بسر میبرد، رهبری فکری اروپا را برعهده گیرد و بر سر رهبری جهان اسلام نیز با بغداد رقابت کند که اوج آن در قرن چهارم هجری رخ نمود. اما برغم پیشرفت علمی مسلمانان و فضای مطلوب فرهنگی در این دوره، فلسفه کمتر مورد توجه قرار گرفت و حتی با تنگناهای شدیدی نیز روبرو شد. از اینرو همین امر، مسئله محوری نوشتار حاضر است تا بر اساس تحلیل منابع تاریخی کم توجهی به فلسفه را که با شکوفایی تمدن اسلامی در آنجا هماهنگی ندارد، مورد واکاوی قرار دهد. در تبیین این مسئله میتوان گفت، مسلمانان با فتح اندلس، وارد سرزمینی شدند که پیش از آن، کلیسا بطور نهادینه خردگرایی را در آنجا و ممالک پیرامون آن منکوب کرده بود. اما مهمترین عامل عدم اقبال به فلسفه در اندلس، همانا استقرار مذهب مالکی بود که با رویکرد اخباری‌گری، به خردگرایی مجال بروز نداد.

۴۷

کلیدواژه‌ها: ابن مسرّه، امویان اندلس، فلسفه، مذهب مالکی

\* \* \*

۱. استادیار گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)؛ rezabakhshi1385@gmail.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۳ تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۵



# نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده

مسعود صادقی\*

## چکیده

هدف نوشتار پیش‌رو آن است که با روش تحلیلی - توصیفی، نظریه یا دست‌کم رویکرد خواجه نصیر به تدبیر منزل و چگونگی اداره و چاره مشکلات خانواده را صورت‌بندی نموده و اجمالاً مورد تحلیل قرار دهد. بر مبنای یافته‌های نوشتار حاضر معلوم می‌گردد معلوم شد که در تعریف خانواده از منظر خواجه نصیر، وجود خدمتگزارانی مقیم که دائماً در خانه حضور داشته باشند، مداخلت و ضرورت دارد. این تعریف میتواند گویای تأثیرپذیری نگرش خواجه از جایگاه اجتماعی و طبقاتیش باشد. چرخه اقتصادی مطلوب خانواده و بایسته‌های آن از نگاه خواجه نیز مستلزم روزآمدسازی است تا با واقعیت‌های اقتصادی جدید همسازتر گردد. همچنین بر مبنای مباحث این نوشتار روشن می‌گردد که رویکرد خواجه نصیر به مدیریت خانواده، رویکرد طبیبانه یا پزشک‌گونه است؛ به این معنا که مدیر منزل از موضع یک فرد باتجربه و آگاهتر، عیوب اعضای خانواده را بشکلی همدلانه تشخیص داده و برای حل آن چاره‌اندیشی میکند.

۶۹

**کلیدواژه‌ها:** خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تدبیر منزل، خانواده

\* \* \*

\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه؛ masoud.sadeghi@kums.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۸/۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۵



# کی‌یرگور و خاستگاه آموزه‌های دینی اگزستانسیالیست\*

فاطمه محمد<sup>۱</sup>، محمد اکوان<sup>۲</sup>

## چکیده

نوشتار حاضر در پی تبیین نگرش کی‌یرگور، فیلسوف برجسته آغازگر اگزستانسیالیست، نسبت به آموزه‌های دینی است. کی‌یرگور سه ساحت استحسانی، اخلاقی و ایمانی را برای انسان در نظر میگیرد که از مرحله استحسانی تا مرحله ایمان، فاصله زیادی وجود دارد و از همینروست که وی برای تبیین سیر در این ساحت، واژه‌هایی همچون «شورمندی» و «جهش» را بکار میبرد. دیالکتیک ناپیوسته کی‌یرگور در گذر از مرحله‌یی به مرحله دیگر نشان میدهد که اولاً این سپهرهای سه‌گانه هرگز قابل جمع با یکدیگر نیستند؛ حتی اگر برای مدتی در کنار هم باشند، سرانجام زمانی فرامیرسد که ناگزیر یکی را باید انتخاب نمود. ثانیاً نحوه گذر از بین این مراحل منطقی و چارچوب‌مند نیست. کی‌یرگور وقتی با مسئله ایمان دینی روبرو میشود، دیگر جایی برای عقل و اندیشه باقی نمیگذارد. بعبارتی، وی زمان و مکان و راه روشنی را مشخص نمیکند تا انسان بداند که در چه زمان و مکانی میتواند به مرحله دیگر برسد، بلکه به اعتقاد وی در این راه باید خطر کرد، معجزه آفرید و بدون عقل این مسیر را پیمود. این خطر کردن، سبب جهش از مرحله اخلاقی به مرحله ایمانی میگردد که بالاترین مرحله زندگی اصیل یا

\* نوشتار حاضر مستخرج از پایان‌نامه دکتری میباشد.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ fmohammad90@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛ mo\_akvan2007@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۳



اگزیستانس است؛ جهشی که از چارچوب قواعد عقلی بیرون است و از اینرو فهمیدنی نیست. تمامی تلاش کی یرکگور در آثارش بر این است که نشان دهد دو حوزه ایمان و عقل کاملاً با یکدیگر متفاوت و بلکه متقابلند و از اینرو نباید مفاهیم حوزه ایمان را با معیار عقل سنجید.

**کلیدواژه‌ها:** آموزه‌های دینی، کی یرکگور، جهش، شورمندی، اگزیستانسیالیسم

\* \* \*

#### مقدمه

اگزیستانسیالیسم یا هستی‌گرایی یا باور به اصالت وجود، اصطلاحی است که به دیدگاه فیلسوفان مشخصی از اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم اطلاق میشود که با وجود تفاوت‌های مکتبی عمیق در این باور مشترکند که اندیشیدن فلسفی با موضوع انسان آغاز میشود نه صرفاً اندیشیدن موضوعی. در هستی‌گرایی، نقطه آغاز فرد بوسیله آنچه «نگرش به هستی» یا احساس عدم تعلق و گم‌گشتگی در مواجهه با دنیای به ظاهر بی معنی و پوچ خوانده میشود، مشخص میشود. طبق باور اگزیستانسیالیست‌ها زندگی بی‌معناست، مگر اینکه خود شخص به آن معنا دهد.<sup>(۱)</sup> این نحله فکری در قرن نوزدهم توسط فردریش نیچه و سورن کی یرکگور بطور واضح مطرح شد؛ هر چند که در قرن‌های پیشین نیز پیشگامانی داشت؛ چنانکه سقراط در تمام دوران اشتغال فلسفی خود این دو شعار را که در واقع ماهیت فلسفه اگزیستانسیالیستی را روشن می‌نماید، تکرار میکرد: «خودت را بشناس» و «زندگی نیازموده، ارزش زیستن ندارد».

۹۲ در قرن بیستم بدنبال شکلگیری این نحله فکری، فلاسفه اگزیستانسی چون مارتین هایدگر، ژان پل سارتر، سیمون دوبوار، آلبر کامو ظهور کردند و اندیشمندانی چون فئودور داستایوسکی و فرانتس کافکا نیز مفاهیم اگزیستانسیالیستی را در آثار ادبی خود دستمایه قرار دادند. واژه اگزیستانسیالیسم اول بار توسط فیلسوف فرانسوی، گابریل مارسل در میانه دهه ۱۹۴۰ م. بکار گرفته شد و توسط ژان پل سارتر در ۲۹ اکتبر ۱۹۴۵ م. که



# بررسی مواجهم ابن سینا با آراء پیشینیان در باب چستی لذت

حوریه شجاعی باغینی<sup>۱</sup>، عین‌الله خادمی<sup>۲</sup>، امیرحسین منصورى نوری<sup>۳</sup>

## چکیده

چیستی لذت موضوعی است که نیازمند بررسی همه‌جانبه و واکاوی دقیق است. این بررسی از نظر شیخ‌الرئیس بوعلی‌سینا از اهمیت ویژه‌یی برخوردار بوده است. بخشی از این واکاوی در موضوع مذکور، به نحوه مواجهه او با آراء پیشینیان بازمی‌گردد. هدف نوشتار حاضر بررسی سیر اندیشه گذشتگان در موضوع لذت و همچنین بررسی میزان بهره‌گیری و تأثیرپذیری بوعلی از آراء پیشینیان است که در ضمن آن به چگونگی مواجهه او با آراء گذشتگان پرداخته میشود.

این پژوهش دربردارنده دو مطلب است: یکی اینکه ابن‌سینا در مواجهه نقادانه نسبت به تعریف زکریای رازی، تبیین دقیقی از خطای تعریف او ارائه مینماید، اما بیشتر از آنکه ثبت این نقد به وی نسبت داده شود به نام فخررازی شناخته شده است. مطلب دیگر، اینکه شیخ‌الرئیس در مواجهه بعدی خود از بیان کوتاه معلم ثانی در تعریف لذت بهره گرفته و بدین لحاظ وامدار فارابی است.

۱۲۳

ابن‌سینا با توجه به نقدهای وارد بر تعریف رازی آن را وامیگذارد و با استفاده از نگاه وجودشناختی فارابی در بیان چیستی لذت، دیدگاه وی را برای تعریف

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، مربی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (نویسنده مسئول)؛ shbaghini@yahoo.com

۲. استاد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ e\_khademi@ymail.com

۳. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ amirhoseindoa@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۶



خود مبنا قرار می‌دهد و آنگاه با مبانی فلسفه مشاء و کمال‌محورانه خود به تکمیل تعریف در آثارش همت می‌گمارد، تا جایی که تعریف وی بعنوان تعبیری پذیرفته‌شده در بیشتر آثار کلامی و فلسفی پس از او مبنا قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** لذت، ادراک، مغالطه أخذ ما بالعرض مکان ما بالذات، ابن‌سینا، فارابی، زکریای رازی، فخررازی

\* \* \*

### طرح مسئله

شیخ‌الرئیس بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق) فیلسوف و پزشک بزرگ قرن چهارم هجری قمری، در بیشتر مباحث فلسفی از جایگاه برجسته‌یی برخوردار است، از اینرو شناخت و بررسی همه‌جانبه آراء و مسائل مطرح‌شده از سوی وی از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. چستی لذت نیز از مسائلی است که به واکاوی دقیق بر پایه دیدگاه بوعلی نیاز دارد. بخشی از این واکاوی در موضوع فوق، به نحوه مواجهه او با آراء پیشینیان بازمی‌گردد. این بررسی با دیدگاهی همه‌جانبه از آن جهت اهمیت دارد که تدقیقها و نکات کلیدی بیان‌شده در فلسفه ابن‌سینا و بتبع وی پیروان مکتب مشاء، مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که عدم توجه به این ظرایف، به مغفول ماندن برخی نکات و احتمال شناخته شدن آنها به نام فیلسوف دیگر می‌انجامد؛ چنانکه در این موضوع چنین غفلی اتفاق افتاده است.

این فیلسوف بزرگ ایرانی، وارث افکار و آثار اسلاف خود از فلاسفه یونانی تا حکمای اسلامی بوده و همچون ایشان به تحقیق و تدقیق در مباحث گوناگون پرداخته است. در سیر تفکر او اگرچه نمیتوان بطور قطع بیان داشت که به تمام آراء گذشتگان خود آگاهی داشته است، اما میتوان نحوه بهره‌گیری او از آراء ایشان را رهگیری کرد. در موضوع لذت نیز با توجه به بهره‌گیری اقوال حکمای دیگر در آثارش میتوان مواجهه او با آراء پیشینیان را بررسی نمود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر پرداختن به چگونگی نحوه مواجهه



# بازخوانی سیر تطور معناشناسی صفات الهی نزد اندیشمندان اسلامی

عبدالله میراحمدی\*

## چکیده

یکی از پر دامنه‌ترین حوزه‌های مسائل توحیدی، تبیین صفات الهی است. وجود این صفات در میان آیات و روایات، همواره این پرسش جدی را در میان متکلمان اسلامی برانگیخته است که با چه قواعد زبان‌شناختی میتوان به فهم صحیح آنها دست یافت؟ در طول حیات فکری مسلمانان با سه رویکرد اصلی در تبیین صفات الهی مواجه میشویم: رویکرد نخست که مشبّهه، حشویه و مجسمه و در ادامه سلفیه از قائلان آن هستند، ضمن آنکه آیات صفات را بر ظاهرشان حمل میکنند، صفات خبری را با تشبیه و تکلیف برای خداوند ثابت میدانند. رویکرد دوم که در میان غالب صاحب‌نظران اهل حدیث رواج دارد، ضمن انتساب صفات خبری به خداوند، در تبیین کیفیت انتساب آنها توقف کرده و فهم معنای آن را به خداوند واگذار میکنند. رویکرد سوم برخلاف دو دیدگاه پیشین، با وجود برخی اختلاف روشها در تعامل با صفاتی که ظاهر ابتدایی آنها با احکام قطعی عقل مخالفت دارد، شیوه تأویل را برگزیده‌اند. گروهی از متقدمان و در ادامه معتزله و امامیه پیروان حقیقی چنین دیدگاهی هستند. در این پژوهش برآنیم تا با شیوه تحلیل محتوا، ضمن گزارش دقیق این سه رویکرد به ارزیابی و کارآمدی آنها بپردازیم.

۱۴۷

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی؛ mirahmadi\_a@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۴





کلیدواژه‌ها: معناشناسی صفات الهی، رویکرد تشبیهی، رویکرد تفویضی، رویکرد تأویلی، قاعده بلاکیف

\* \* \*

### طرح مسئله

از نظر زبان‌شناسان، در هر زبانی مجموعه‌یی از نمادها و تعداد محدودی شمایل وجود دارد که مطالعه مفاهیم و معانی این نمادها و شمایل را معناشناسی گویند. به بیان دیگر، در معناشناسی به مطالعه معنی واحدهای نظام زبان پرداخته میشود که تقریباً تمامی آنها نماد بحساب می‌آیند، هر چند معدودی شمایل را نیز دربرمیگیرند.<sup>(۱)</sup> بر این اساس، معنی‌شناسی دانش بررسی و مطالعه معانی در زبانهای انسانهاست.

امروزه مباحث معناشناسی از زبان‌شناسی وارد مباحث دینی شده است و یکی از موضوعات مطرح در فلسفه دین، زبان دین است. ماوراءالطبیعه بخشی از فلسفه است و تقریباً بمعنای کوششی برای صورتبندی بنیادیتیرین حقایق مربوط به جهان است که بیان آن با مفاهیم و کلمات زبان صورت میگیرد. برخی از محققان در تبیین دغدغه همیشگی فیلسوفان نسبت به زبان دین چنین مینویسند:

هستی‌شناسی و شناخت حقایق از دغدغه‌های اصلی فیلسوفان است. زبان، ابزار کار فیلسوف است. از دیرباز این مطلب منشأ نگرانی بوده است که آیا زبان، این نیروی علامت‌ساز وجود آدمی، آیا در ظهور فعلی خود در قالب علائم آوایی، بدرستی میتواند منعکس‌کننده واقعیتهای بیرونی، تأملات و اندیشه‌های درون آدمی شود و تفهیم و تفاهم بی‌کم‌وکاست صورت گیرد؟ ... [آیا] زبان عادی بشر با وجود ابهام، چندمعنایی، استعاره، مجاز، وابستگی معنا به فحوای کلام یا سیاق عبارت از عهده کشیدن بار مفاهیم دقیق فلسفی برمی‌آید؟<sup>(۲)</sup>

بنابراین دانش معناشناسی ما را در برقراری ارتباط میان واژه‌ها و معانی آنها در متون مقدس بویژه قرآن و روایات یاری میرساند. در حقیقت، این دانش بیانگر آن

*Mu‘tazilites* and *Shi‘ites* are among the true advocates of this approach. Here, following the method of content analysis, the author intends to provide an accurate account of these three approaches and, at the same time, evaluate their efficiency.

### Key Terms

semantics of Divine Attributes  
delegatory approach  
principle of *bila kayf*

anthropomorphic approach  
hermeneutic approach



# A Review of the Development of Semantics of Divine Attributes in Islamic Thinkers

*Abdollah Mirahmadi\**

One of the extensive realms of *tawhidi* (related to oneness of God) problems pertains to the explanation of Divine Attributes. The existence of such attributes in different Qur'anic verses and traditions has always raised a serious question among Islamic *mutikallimun* as to which linguistic principles could assist in grasping a correct understanding of them. In the history of Muslim thinkers three main approaches have been developed regarding the explanation of Divine Attributes: The first approach is supported by anthropomorphists (*mushabbaha*), literalists (*hashwiyyah*), corporealists (*mujassamah*), and then revivalists (*salafiyya*); while interpreting the verses on attributes based on their surface meaning, they maintain that predicative Divine Attributes can be demonstrated through assimilation and qualification. The second approach is mainly prevalent among the people of *hadith*; while ascribing predicative attributes to God, they are content with the mere explanation of the quality of their attribution and leave the understanding of their meanings to God. Unlike the proponents of the previous two approaches, those of the third approach, despite some methodological differences in interaction with attributes whose primary appearance is in contrast with conclusive rational principles, have adopted the method of *t'awil* or esoteric exegesis. A group of early thinkers and, following them, the

15

---

\*Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Kharazmi University, Tehran, Iran, mirahmadi\_a@khu.ac.ir

view as the basis of his own definition. Next, based on his own Peripatetic and perfection-oriented principles, he completes his own definition of pleasure in his works so that the presented definition is later confirmed and accepted as the basis for the related discussions.

### Key Terms

pleasure  
Ibn Sina  
Farabi

perception  
Zakariya Razi  
Fakhr al-Din Razi



# A Study of Ibn Sina's Encounter with Early Philosophers' Views of the Whatness of Pleasure

*Hoorieh Shojaee Baghini,<sup>1</sup> Einollah Khademi,<sup>2</sup> and Amirhosein  
Mansori Noori<sup>3</sup>*

The whatness of pleasure is a topic which demands a thorough and accurate investigation. The study of this topic was also of particular importance in the view of Ibn Sina. A part of this investigation concerns his mode of encounter with the related views of his predecessors. The purpose of this paper is to explore the development of early thinkers' ideas regarding pleasure and the extent of their impact on Ibn Sina's views. The findings of this study are two-fold: firstly, in his critical review of the definition provided by Zakariya al-Razi, Ibn Sina presents an accurate explanation of its defects. However, this critique has mostly been attributed to Fakhr al-Din Razi. Secondly, in his later examination of early thinkers' views of pleasure, he benefits from the Second Teacher's brief explanation regarding the definition of pleasure. Hence, he owes his insight in this respect to Farabi. Given the various criticisms of Razi's definition, Ibn Sina overlooks it and, through resorting to Farabi's ontological approach to the whatness of pleasure, adopts his

13

1. PhD candidate of Islamic Philosophy and Kalam (corresponding author), Shahid Rajae Teacher Training University, Tehran, Iran, shbaghini@yahoo.com
2. Professor of Islamic Philosophy and Kalam, Shahid Rajae Teacher Training University, Tehran, Iran, e\_khademi@ymail.com
3. PhD candidate of Islamic Philosophy and Kalam, Shahid Rajae Teacher Training University, Tehran, Iran, amirhoseindoa@gmail.com

which does not fit the framework of rational principles and, hence, cannot be perceived. Kierkegaard dedicates all his efforts in his works to demonstrating that the two spheres of religious belief and intellect are not only different but also in contrast to each other and, thus, one cannot evaluate religious concepts against the criterion of the intellect.

### Key Terms

religious theorems  
leap  
existentialism

Kierkegaard  
pathos



# Kierkegaard and the Origin of Existentialist Religious Theorems\*

*Fatemeh Mohammad<sup>1</sup> and Mohammad Akvan<sup>2</sup>*

The present paper explains the view of Kierkegaard, the prominent founding philosopher of existentialism, regarding religious teachings. Kierkegaard refers to three aesthetic, ethical, and religious spheres for human beings and maintains that there is a large distance between the aesthetic and religious stages. Accordingly, in order to explain the process of development in these spheres, he uses such words as “pathos” and “leap of faith”. Kierkegaard’s discontinuous dialectics, when moving from one stage to the other, reveals that, firstly, these three-fold spheres can never unite with each other even if they co-exist for some time. Finally, there comes a time when, inevitably, one has to be chosen. Secondly, the quality of moving from one stage to the other is not logical and cannot be explained within a specific framework. When confronting the problem of religious faith, Kierkegaard does not allocate any place to the intellect and thought. In other words, he does not specify a certain time, place, and method so that individuals know when, where, and how they can reach the next stage. Rather, he believes that one must take risks in this process, do miracles, and follow the way without resorting to the intellect. Such risks cause a leap from the ethical sphere to the religious sphere, which is the highest level of an original life or existence; a leap

11

---

\*This paper has been derived from the PhD dissertation of the corresponding author.

1. PhD candidate of Western Philosophy, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, fmohammad90@gmail.com
2. Associate Professor (corresponding author), Philosophy Department, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, mo\_akvan2007@yahoo.com

# Khvajah Nasir al-Din Tusi's Philosophical View of the Management and Economy of Family

*Masoud Sadeghi\**

Following an analytic descriptive method, this paper aims to configure and briefly analyze the theory or, at least, approach of Khvajah Nasir al-Din Tusi regarding the management of the household and the quality of resolving family problems. Given the findings of this study, it seems that, in Tusi's definition of family, the existence of some full-time servants at home is necessary. This definition could have been developed under the influence of Tusi's social class. It seems that his views of the desirable economic cycle of the family and its necessary elements need to be modernized in order to become more compatible with present economic realities. The findings of this study further demonstrate that Tusi's approach to family management is similar to that of a physician. In other words, he believes that the head of the family, as a more experienced and knowledgeable person, should diagnose the defects of the family members with a sympathetic attitude and then try to remedy them.

10

## Key Terms

Khvajah Nasir al-Din Tusi  
household management

*Akhlaq-i Nasiri*  
family

---

\* Assistant Professor, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran, masoud.sadeghi@kums.ac.ir





# A Study of the Reason for the Unpopularity of Philosophy during the Umayyad Period in Andalusia

*Musa Alreza Bakhschi Ostad<sup>1</sup> and Abdol Hosein Latifi<sup>2</sup>*

Under the reign of the Umayyad Dynasty, Andalusia managed to take the philosophical lead in Europe during a time when Europe was suffering from Medieval stasis. Moreover, it could compete with Baghdad over the leadership of the world of Islam, the peak of which was in the fourth century (AH). However, in spite of the scientific progress of Muslims and the favorable cultural atmosphere of this period, philosophy did not receive much attention and even had to deal with severe challenges. Accordingly, the authors of this paper decided to focus on this lack of attention to philosophy, which was not in conformity with the flourishing of Islamic civilization in Andalusia at that time, through analyzing the related historical resources and documents. Their findings indicate that, after conquering Andalusia, Muslims stepped into a land where the church had harshly suppressed rationalism. The same was also the case with the neighboring countries there. Nevertheless, the most important reason for the lack of interest in philosophy in Andalusia was the establishment of *Maliki* school of thought, which, following a *Zahirite* approach, did not allow rationalism to flourish there.

## Key Terms

Ibn Masarra  
philosophy

Andalusian Umayyads  
*Maliki* school of thought

1. Assistant Professor (corresponding author), Social Studies Department, Farhangian University, Tehran, Iran, rezabakhshi1385@ymail.com
2. Assistant Professor, Religion and Gnosis Department, Yadegar-e-Imam Khomeini (rah) Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, hoseinlatifi89@gmail.com

term is a combination of those provided by Mulla Sadra and Fakhr al-Din Razi.

## Key Terms

Simple Intellect  
differentiated knowledge  
Ibn Sina

general knowledge  
God's knowledge

8

سال نهم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۷



**A Semantic Study of the Description of  
God as the Simple Intellect in Sinan  
Wisdom  
(with Reference to Three Different  
Interpretations by Fakhr al-Din Razi, Mir  
Damad and Mulla Sadra)**

*Sayyed Mohammad Entezam\**

Ibn Sina referred to God as the Simple Intellect; however, his intended meaning of this term has been interpreted differently by Fakhr al-Din Razi, Mir Damad, and Mulla Sadra. Fakhr al-Din Razi believes that the Sinan Simple Intellect depends on the suddenness and non-temporality of God's acquired and differentiated knowledge of existents prior to their creation. According to Mir Damad, this term denotes that God's knowledge of existents is at the level of essence and identical with essence. He believes that this kind of knowledge is in contrast to His presential knowledge of existents and argues that the attribution of acquired knowledge to Ibn Sina is among Suhrawardi's mistakes. Finally, Mulla Sadra states that, by the Simple Intellect, Ibn Sina means a general rather than differentiated type of acquired knowledge. In this paper, the author examines each of these interpretations along with their related proofs and, at the end, demonstrates that the correct interpretation of this

7

---

\* Associate Professor, Philosophy Department, Mofid University, Qom, Iran,  
entezammohammad66@gmail.com

*Bahman* or the first emanated, its unity with other *AmeshaSpenta* has the highest frequency. This is because all signs of *AmeshaSpenta* enjoy this characteristic, the outcomes of which include the coexistence of all signs of *AmeshaSpenta* with each other and the organization dominating them. This finding by itself demonstrates that Suhrawardi pays particular attention to the meanings and functions of *AmeshaSpenta* in his works.

## Key Terms

Suhrawardi  
*Bahman*  
first emanated

*Amesha Spenta*  
First Intellect



# Origins of the Notion of *Bahman* or Suhrawardi's First Emanated

*Nadia Maftouni<sup>1</sup> and Morteza Darrudi Javan<sup>2</sup>*

The views of Suhrawardi can be traced in the philosophy of ancient Iran. One of such views was the belief in *Bahman* or the first emanated. Following the method of content analysis, the authors have extracted and examined the overt and covert effects of *Bahman*, which is considered to be the most supreme manifestation of Ahura Mazda in the view of Zoroastrians, in Suhrawardi's works. After deducing the general and specific features of *Bahman* based on Zoroastrian sources, such as *Avesta* and *Bundahishn*, they have tried to locate them in Suhrawardi's books. Following a thorough study of all of his works, they have extracted and counted all the direct references to *Amesha Spenta* and all the cases referring to the general and particular features of *Bahman*. After calculating the related frequencies, they have carried out a content analysis and conceptual study of the existing features and signs. The findings of this study reveal the number of direct references to *AmeshaSpentaBahman* in the studied texts. Moreover, they show that the term *Bahman* is used in the same sense as the first emanated or the First Intellect and, in contrast to other *AmeshaSpenta*, as the head of vertical intellects based on their archetypal functions. The writers also conclude that Suhrawardi's books contain the largest collection of references to *Bahman* among all Persian texts, while reminiscing some of the Iranian mythological heroes. Among the general and particular features of

5

1. Associate Professor (corresponding author), Islamic Philosophy and Wisdom Department, University of Tehran, Tehran, Iran, [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)
2. PhD in Persian Language and Literature, Shahid Bahonar Higher Education Center, Farhangian University, Tehran, Iran, [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)



## Contents

### **Origins of the Notion of *Bahman* or Suhrawardi's First Emanated**

*Nadia Maftouni and Morteza Darrudi Jawan* ..... 5

### **A Semantic Study of the Description of God as the Simple Intellect in Sinan Wisdom (with Reference to Three Different Interpretations by Fakhr al-Din Razi, Mir Damad and Mulla Sadra)**

*Sayyed Mohammad Entezam* ..... 7

### **A Study of the Reason for the Unpopularity of Philosophy during the Umayyad Period in Andalusia**

*Musa Alreza Bakhshi Ostad and Abdol Hosein Latifi*..... 9

### **Khwajah Nasir al-Din Tusi's Philosophical View of the Management and Economy of Family**

*Masoud Sadeghi*..... 10

### **Kierkegaard and the Origin of Existentialist Religious Theorems**

*Fatemeh Mohammad and Mohammad Akvan*..... 11

### **A Study of Ibn Sina's Encounter with Early Philosophers' Views of the Whatness of Pleasure**

*Hoorieh Shojaee Baghini, Einollah Khademi and Amirhosein Mansori Noori* ..... 13

### **A Review of the Development of Semantics of Divine Attributes in Islamic Thinkers**

*Abdollah Mirahmadi* ..... 15







﴿ He is the Wise, the Omniscient ﴾

# History of Philosophy

Journal of the International Society of the History of Philosophy



Volume 9, Number 3, Issue 35, March 2019

**Publisher:** Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Director:** Professor Seyyed Mohammed Khamenei

**Editor-in-chief:** Professor Hossein Kalbasi Ashtari

**Administrative Manager:** Jaleh Shamsollahi

---

**Editorial Board:**

Prof. Karim Mojtabedi, *University of Tehran*

Prof. Fathullah Mojtabaei, *University of Tehran*

Prof. Reza Dawari Ardakani, *University of Tehran*

Prof. Nasrullah Hekmat, *Shahid Beheshti University*

Prof. Ahad Faramarz Qaramaleki, *University of Tehran*

Prof. Hamidreza Ayatollahy, *Allameh Tabataba'i University*

Prof. Hossein Kalbasi Ashtari, *Allameh Tabataba'i University*

Prof. Mohammed Taqi Rashed Mohassel, *University of Tehran*

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad, *Shahid Beheshti University*

Prof. Abdurrazzaq Hesamifar, *Imam Khomeini International University*

---

**English Translator:** *Dr. Roya Khoii*

**English Editor:** *Dr. Ali Naqi Baqershahi*

**Persian Editor:** *Fatemeh Mohammad*

---

**Address:** Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875, 6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594      **Fax:** (+98 21) 88493803

**Email:** SIPRIn@mullasadra.org

**Site:** www.mullasadra.org

hop.mullasadra.org

---

**ISSN:** 2008-9589

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific-research degree.

It is indexed in the following centers: Islamic World Science Citation Center (ISC), Philosopher's Index